



دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق خانواده

اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده

تکارش

زینب مجدم

استاد راهنما

دکتر محمدجواد بحرینی

شهریور ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقدیم:

ماحصل آموخته‌ایم را تقدیم می‌کنیم به آنان که مهر آسمانی شان آرام، بخش آرام زین‌بی‌ام است

به استوارترین نیک‌گاهیم، دستان پر مهر پدرم! به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان پر مهر مادرم!

که هر چه آموختم در کتب عشق شما آموختم و هر چه بگوختم قلمرو ای از دیای بی‌کران مهربانان راساں توانم بگویم.

امروز هستی ام به امید شامت و فردا کلید باغ به شتم رضای شارا آوردی کران سگ ترا ز این ارزان نداشتم تا به خاک پیمان نثار کنم، باشد که حاصل تلاشم نسیم کوز غبار سختگیتان را

بزولید.

بوسه بردستان پر مهرتان!!!

بر برادرم که با هم آغاز کردیم، دکناز هم آموختیم و به امیدیم به آینده چشم می‌دوزیم. قلمم لیریز از عشق به شامت و خوشبختی تان منهای آرزویم.





تقدیر و تشکر

به نام آفریدگار پاک که انسان را از خاک آفرید و به واسطه عقل بر تمام موجودات ربحان داد و آنگاه دانش را وسیله کمال عقل قرار داد. بزرگ پروردگار را سپاس که به ما استاد آموختن عطا کردی. بانگشکراز استاد محترم جناب آقای دکتر محمد جواد بحرئی که این جانب را در تهیه این پروژیه یاری نمودند از خداوند متعال پیروزی و موفقیت روز افزون ایشان را خواستاریم. همچنین از مجموعه دانشکده بهی نهایت سپاس و تشکر را دارم!!



چکیده

اصل مساوات حقوقی میان زنان و مردان به ویژه در حوزه حقوق خانواده از اصول مهم در نظام‌های حقوقی به شمار می‌رود. این اصل در نظام حقوقی ایران به تأسی از حقوق اسلامی به خصوص در حوزه حقوق خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد. در بررسی برابری و تساوی حقوق در روابط زوجین، در نظام حقوقی غرب و نظام حقوقی ایران دو رویکرد متفاوت وجود دارد که در اندیشه‌ورزی‌های خود هر یک فراز و نشیب‌های حقوقی زیادی را بر خود تحمیل کرده‌اند. در نظام حقوقی غرب با توجه به رویکردهای برابری و تشابه حقوق زن و مرد در این عرصه، زن را در ترازوی برابری و مساوات مورد ارزشیابی قرار می‌دهند. در مقابل نظام حقوقی ایران به تأسی از حقوق اسلام، رویکردهای برابری و عدالت محور با آموزه‌های مبنایی و اصولی که در مسیر حفظ حقوق زوجه در خانواده ارائه نموده است بنا را بر اصل عدالت گذاشته، طریقی که می‌توان ادعا نمود اگرچه در برخی مواقع مساوات مورد توجه قرار نگرفته، ولی به خوبی به فلسفه وجودی زن توجه شده است. این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تحلیلی و با مراجعه به منابع فقهی و حقوقی به بررسی حقوق زن و شوهر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌ام که دین مبین اسلام تشابه و یکسانی حقوق زن و شوهر که برخی به اشتباه معنای تساوی به آن داده‌اند را رد می‌کند. از نظر تعالیم اسلام هیچ یک از زنان و مردان به لحاظ شخصیت انسانی و حقوق اجتماعی بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد و اگر در برخی حقوق خانوادگی یکی بر دیگری برتری داده شده به لحاظ تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش و مصلحت نوع معاشرت بشر میان آنها قرار داده و بلافاصله در مقابل چنین حقی، تکلیفی را بر عهده او نهاده است.

واژگان کلیدی: اصل مساوات، عدالت جنسیتی، حقوق، خانواده.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

- ۱-۱. کلیات تحقیق ۱۷
- ۱-۱-۱. مقدمه ۱۷
- ۱-۱-۲. بیان مسئله ۲۱
- ۱-۱-۳. سوال‌های تحقیق ۲۲
- ۱-۱-۴. فرضیه‌های تحقیق ۲۲
- ۱-۱-۵. پیشینه تحقیق ۲۳
- ۱-۱-۶. ضرورت، کاربرد و اهداف تحقیق ۲۴
- ۱-۱-۷. کاربردهای مورد انتظار از تحقیق ۲۵
- ۱-۱-۸. روش‌شناسی تحقیق ۲۵
- ۲-۱. مفاهیم تحقیق ۲۵
- ۲-۱-۱. مفهوم مساوات ۲۵
- ۲-۱-۲. مفهوم عدالت ۲۷
- ۲-۱-۳. مفهوم جنسیت ۳۲

- ۴-۲-۱. مفهوم تساوی در حق ۳۵
- ۵-۲-۱. مبانی و ایدئولوژی‌های فکری غرب در نگرش به خانواده ۳۷
- ۱-۵-۲-۱. فمینیسم ۳۷
- ۲-۵-۲-۱. اومانیسم ۴۱
- ۳-۵-۲-۱. سکولاریسم ۴۴
- ۴-۵-۲-۱. لیبرالیسم ۴۷

فصل دوم: تحلیل عدالت جنسیتی در حقوق خانواده

- ۱-۲. عدالت جنسیتی در ادوار زندگی بشر ۵۳
- ۲-۲. رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی ۵۷
- ۱-۲-۲. عدالت جنسیتی مساواتی ۵۸
- ۲-۲-۲. عدالت مساواتی در جنسیت‌ها ۵۸
- ۳-۲-۲. عدالت مساواتی در نتایج ۶۰
- ۴-۲-۲. عدالت مساواتی در جنس‌ها ۶۲
- ۵-۲-۲. نکات قابل تأمل و در رویکرد عدالت مساواتی ۶۲
- ۳-۲. تقابل سلطه‌گری جهانی و دست‌های پنهان عدوات با عدالت جنسیتی ۶۵
- ۴-۲. نقش تفکر کلامی اندیشوران مسلمان در تحقق شاکله عدالت جنسیتی ۶۷
- ۱-۴-۲. پارادوکس اندیشه‌ها و آثار آن بر عدالت جنسیتی ۷۰
- ۲-۴-۲. نقش اصول راهبردی نظری در تسهیل عملی عدالت جنسیتی ۷۲

- ۵-۲. فلسفه سهل و ممتنع بودن مفهوم عدالت جنسیتی در خانواده ۷۵
- ۶-۲. تحول اقدامات عام بین‌المللی در حمایت خانواده و تساوی جنسیتی ۷۹
- ۱-۶-۲. اقدامات سمبلیک مجمع عمومی برای موضوع خانواده ۸۴
- ۲-۶-۲. اقدامات مکمل و تفسیری در تقویت تساوی جنسیتی ۸۵
- ۷-۲. جایگاه عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده ۸۸

فصل سوم: چارچوب عملکرد مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده

- ۱-۳. برابری و عدالت در انعقاد نکاح ۹۴
- ۲-۳. تعدد زوجات ماهیتی تبعیضی یا عدالتی تشریحی ۹۷
- ۳-۳. اصول و قواعد در انعقاد عقد نکاح ۱۰۰
- ۱-۳-۳. قوامیت و ریاست بر زن ۱۰۰
- ۴-۳. حمایت‌های اخلاقی در حفظ کرامت زن ۱۰۴
- نتیجه‌گیری ۱۰۹
- فهرست منابع ۱۱۱

فصل اول:

کلیات و مفاهیم تحقیق

۱-۱. کلیات تحقیق

۱-۱-۱. مقدمه

اصولاً هر بینش و نگرشی به پدیده‌های هستی بر مجموعه‌ای از بنیان‌های فکری و فلسفی ویژه استوار است که با تأکید بر آن مبانی به تبیین و تحلیل پدیده‌ها پرداخته و در جهت ضابطه‌مند نمودن روابط میان آن‌ها به طراحی و ترسیم نظام اقدام می‌نماید و این روند به روشنی در مکاتب مختلف فکری قابل مشاهده است؛ به بیان دیگر هر ساختار و نظامی که در دنیای اندیشه و عمل شکل می‌گیرد بر مبانی استوار است که بیانگر موضع‌گیری‌های کلی آن نظام است. یکی از نظام‌هایی که در عرصه زندگی اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ نظام حقوقی خانواده است که طبیعتاً این نوع نظام نیز از قاعده مذکور مستثنا نخواهد بود؛ به عبارتی اگر در محورهای واحدی؛ همچون خانواده، شاهد تفاوت‌های بنیادین در نظام‌های حقوقی هستیم باید علت این تفاوت‌ها را در مبانی فکری و عقیدتی طراحان این سیستم‌ها جویا باشیم؛ چه بسا در نظام‌هایی که پردازنده آن‌ها عقل بشری است با تجدیدنظر در مبانی اتخاذی به تبع پیدایش رخدادهای تاریخی و تغییر فرهنگ‌ها و شیوه زندگی، دگرگونی‌های عمده در ساختار نظام پدید آید. دگرگونی نظام حقوقی خانواده در غرب در مقایسه با نظام حقوقی حاکم بر خانواده در مکتب اسلام به روشنی گویای این مدعاست؛ چنین تفاوت‌های بنیادینی لزوم بررسی و مقایسه مبانی حاکم بر نظام حقوقی خانواده در مکتب اسلام و مکاتب غربی را پدیدار می‌نماید تا بدین وسیله بتوان به پاسخ این مسئله نائل آمد که هر یک از این ساختارها چه تأثیرات و پیامدهایی را برای بنیان خانواده به همراه داشته است؟

در راستای ارائه تعریف جامع از نظام حقوقی باید اذعان داشت که نظام حقوقی مجموعه‌ای از اصول، قواعد، سازمان‌ها و نهادهای حقوقی هماهنگ و مرتبط است که براساس روشنی تعریف شده از منابعی خاصی استخراج یافته و تفسیر گردیده بر پایه مبانی ویژه‌ای استوار بوده و در بستر تاریخی و فرهنگی خاصی شکل گرفته و اهداف تعریف شده‌ای؛ چون نظم و عدالت را دنبال می‌کند. این مجموعه به گونه‌ای است که برای وضعیت‌های مختلف راه‌حل ارائه می‌کند و قابلیت انطباق با اوضاع و احوال گوناگون را دارد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ۶۳)؛ در این راستا آنچه قانونگذار را در وضع مقررات و استنباط احکام جدید یاری می‌کند کشف مبانی و اهدافی است که در آن نظام حقوقی مورد نظر بوده است؛ لذا مقررات حقوقی بخاطر تحقق آن اهداف و براساس آن مبانی وضع می‌گردد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۸، ۱۶۸). باید توجه داشت که مبنای حقیقی حقوق، اراده قانونگذار تلقی می‌شود. این مبنا در حقوق اسلامی که بر محور توحید استوار است؛ همان اراده تشریعی خداوند است که از طریق وحی به بشر عرصه می‌شود. اراده مقنن به عنوان مبنای حقوق، خود بر مبانی عرضی و ثانویه استوار است؛ به‌عنوان مثال می‌توان اصل عدالت یا عدم تنافی با عدالت را به عنوان مبنای عرضی و ثانوی قواعد و مقررات نظام حقوقی اسلام دانست. پژوهش حاضر در صدد استخراج این مبنا که همان عدالت و اصل مساوات است را در نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده مورد بررسی قرار خواهد دهد. نکته حائز اهمیت در استخراج مبانی حقوق خانواده در هر نظام این است که با توجه به این که شاکله اصلی خانواده با زن و مرد بوجود می‌آید؛ اما نوع نگرش هر مکتب به زن در کنار مرد در طراحی سیستم‌های حقوقی نقش کلیدی ایفا می‌نماید؛ بدین ترتیب با درک جایگاه و نقش زن در برابر مرد در جوامع مختلف به عنوان عضوی از خانواده می‌توان بر مبنای حقوقی این مکاتب وقوف پیدا کرد. نظری بر تاریخچه جوامع غربی روشن می‌سازد که زن در آن روزگار از بسیاری از حقوق محروم بوده و وجود مستقلی در برابر قانون به شمار نمی‌رفته است. زن در نگاه عهدین، موجودی درجه دوم و طفیلی مرد به شمار می‌رود و از منظر پیروان مسیحیت، عامل گناهکاری انسان است و تا اواخر قرن هجدهم زنان از حقوق

مالکیت و نیز حق رأی محروم بودند؛ لیکن پس از جنگ جهانی دوم تساوی حقوق زن و مرد به تصریح در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شد. در این میان نگرش توحیدی در زمینه مبانی وضع قانون بر استدلال‌هایی؛ چون خدا باوری، فرجام باوری، وحدت نوع در میان زن و مرد، تفاوت تکوینی میان دو جنس، تناسب میان تکوین و تشریح و... برخوردار است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که اسلام دین مساوات و برابری است. این دین زمانی ظهور کرد که در شبه عربستان و دیگر نقاط جهان نه تنها زن و مرد؛ بلکه بین انسان‌ها اثری از مساوات نبود؛ حتی در آن زمان اگر فردی صاحب فرزند دختر می‌شد یا او را زنده به گور می‌کرد و یا باید تا آخر عمر ننگ دختر داشتن را تحمل می‌نمود. در چنین شرایطی خداوند از زن و مرد در کنار هم یاد کرده است و مبدأ خلقت هر دوی آن‌ها را «نفس واحده» معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ ای مردم از [مخالفت] پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را [نیز] از جنس او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت»؛ علاوه بر خلقت مساوی، زن و مرد در ارزش‌ها و کسب کمالات والای انسانی برابر هستند. در تمامی آیات قرآنی هر کجا که سخن از ارزش و کمال است به زن و مرد به صورت یکسان خطاب شده است و با لفظ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» زن و مرد هر دو مورد خطاب قرار گرفته‌اند و ملاک برتری در پیشگاه خداوند فقط تقوا معرفی شده است. زن و مرد از حیث تکوینی کاملاً جدا از هم هستند؛ یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات کاملاً از یکدیگر متفاوتند؛ به‌عنوان نمونه از لحاظ جسمی مرد بطور متوسط درشت‌اندام‌تر و زن کوچک‌اندام‌تر است، رشد بدنی زن سریع‌تر؛ اما رشد بدنی مرد کندتر است و از لحاظ روانی، احساسات زن از مرد جوشان‌تر است؛ یعنی زن در اموری که مورد علاقه‌اش است سریع‌تر تحت تأثیر احساسات خویش قرار می‌گیرد و موارد مشابه دیگر؛ از این رو به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. استاد مطهری در این رابطه چنین می‌گوید:

از نظر اسلام این مسئله هرگز مطرح نیست که آیا زن و مرد دو انسان متساوی در انسانیت هستند یا نه؟... از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره‌مند هستند. آنچه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند... خلقت و طبیعت آن را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند (مطهری، ۱۳۸۲، ۱۲۱ و ۱۲۲).

جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند؛ بنابراین اختلاف و تمایز میان آن‌ها لازمهٔ صنفشان است و بر این اساس تفاوت حقوقی میان آن‌ها ضروری است؛ به عبارت دیگر بر حسب آنچه که جنسیت اقتضا می‌نماید تفاوت میان آن‌ها همیشگی و در پی آن حقوق طبیعی میان آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. حقوق طبیعی لازمه‌ی هدفداری طبیعت است و با توجه به این هدف، استعدادهایی در وجود موجودات نهاده و استحقاق‌هایی به آن‌ها داده است. راه تشخیص حقوق طبیعی و کیفیت آن‌ها مراجعه به خلقت و آفرینش است. هر استعداد طبیعی یک سند طبیعی برای یک حق طبیعی است (همان، ۱۵۰) و این حق طبیعی ایجاب می‌کند که میان زن و مرد تناسب حقوقی برقرار شود نه تشابه حقوقی. زن اگر بخواهد حقوقی مساوی حقوق مرد و سعادت مساوی سعادت مرد پیدا کند راه منحصرش این است که مشابهت حقوقی را از میان بردارد و برای مرد حقوقی متناسب با مرد و برای خودش حقوقی متناسب با خودش قائل شود. استاد مطهری در توضیح این مطلب چنین گوید: اول باید ببینیم آیا لازمه تساوی حقوق، تشابه حقوق هم هست یا نه؟ تساوی غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی. ممکن است پدری ثروت خود را بطور تساوی میان فرزندان خود تقسیم کند؛ اما بطور متشابه تقسیم نکند؛ مثلاً ممکن است این پدر چند قلم ثروت داشته باشد و هم تجارت‌خانه داشته باشد و هم ملک مزروعی و هم مستغلات اجاری؛ ولی نظر به اینکه قبلاً فرزندان خود را استعدادیابی کرده است در یکی ذوق و سلیقه تجارت دیده است و در دیگری علاقه به کشاورزی و در سومی مستغل‌داری. هنگامی که می‌خواهد ثروت خود را در حیات خود میان فرزندان تقسیم کند با در نظر گرفتن آنچه بر همه فرزندان می‌دهد از لحاظ ارزش، مساوی با یکدیگر باشد و

ترجیح و امتیازی از این جهت در کار نباشد به هر کدام از فرزندان خود همان سرمایه را می‌دهد که قبلاً در آزمایش استعدادیابی آن را مناسب یافته است. کمیت غیر از کیفیت است و برابری غیر از یکنواختی است... مسلم است که اسلام حقوق یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است؛ ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیحی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست، اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است (همان، ۱۱۲).

بنابراین به نظر می‌رسد در فهم و داوری پیرامون «اصل مساوات» و «عدالت جنسیتی» نخست: باید بین انسان بودن زن و مرد و معیار انسانیت قبل از اینکه زن یا مرد باشند تفکیک قائل شد تا تمیز بین هویت حقیقی و حقوقی یا حقیقت و تعین و تشخیص وجودی آنها صورت گیرد و سخن از تساوی یا تفاوت در چنین نگاه و نگره‌ای رخت بر بندد؛ دوم: با فهم تک سرشتی بودن آنها ریشه تفاوت‌ها را در تناسب و آن هم کتاب خلقت جست‌وجو کرد و تشابه را جانشین تساوی نکرد؛ سوم: مفهوم و مبنای «عدالت» و «جنسیت» را شناخته و به داوری و ارزش‌گذاری پرداخت. در این نوشتار با توجه به مفهوم اصل مساوات در صدد آنیم که کارکرد آن را در حقوق خانواده و روابط بین زن و مرد خانواده کنکاش و بررسی شود و چارچوب عملکرد مساوات را در حقوق خانواده مورد بحث قرار دهد.

۱-۲-۱. بیان مسئله

اسلام عدالت و برابری را در روابط میان انسان‌ها و در خانواده امری ضروری می‌داند؛ به‌علاوه این اصل به عنوان ارزشی انسانی شناخته شده‌است و در بسیاری از قوانین وجود دارد. عدالت به معنای این است که به هر شخصی حق خودش داده شود و خداوند متعال هر انسانی را به تناسب وظیفه‌ای که به حکم آفرینش بر دوش وی نهاده، ویژگی‌ها و خصوصیات بی‌شمیره است. عدالت به معنی مساوات بین مردم نیست؛ به گونه‌ای که همه هم‌شکل باشند. چنین چیزی چه بسا ضد عدالت است؛ زیرا آسیب جدی به زندگی و تکامل انسان‌ها وارد می‌کند؛ بنابراین ما در صدد هستیم این مفهوم را بر حقوق زن و مرد و به تبع آنها زوجین در نهاد خانواده مورد بررسی قرار دهیم که برآیند این تعمیم آنچه خواهد بود برابری حقوق زوجین خواهد بود نه

تساوی برآیند از تشابه حقوق. مبرهن است آنچه در آموزه‌های اسلامی اذعان شده فلسفه عمیقی را با خود دارد که راز و هدف خلقت را در خود مستتر دارد؛ باین حال در نظام حقوقی ایران تساوی حقوق زوجین وجود ندارد و این فرق در حق بین زن و مرد هم در نهاد خانواده و هم زمینه‌های دیگر وجود دارد؛ اما با تدابیر حساب شده و فلسفه نگرش اسلام به این رویکرد شاهد برابری حقوق بین زن و مرد هستیم. در نهایت اینکه مبنایی که در مقرراتی که بر حقوق زوجین حاکم است در حقوق ایران اصل توازن حقوق زن و مرد را پذیرفته که در این اصل آنچه مدنظر است عدالتی است که تبعیض جنسیتی را توجیه می‌کند؛ هرچه به سمت این مبانی که با تاسی از فقه در نظام حقوقی کشور درج شده است، اصل مساوات در حقوق زوجین را به محاق می‌برد. این تحقیق در پی این مهم است که مبانی مورد اشاره را در بازخورد با حقوق زن و مرد و به تبع آنها زوجین مورد بررسی قرار داده و درستی و یا عدم آن را با توجه به مبانی موجود و دیدگاه‌های مشابه در نظام‌های حقوقی دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱-۳-۱. سوال‌های تحقیق

۱-۳-۱-۱. سوال اصلی

اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده چیست؟

۱-۳-۱-۲. سوال‌های فرعی

۱. تحلیل عدالت جنسیتی در حقوق خانواده چگونه است؟

۲. چارچوب عملکرد مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده چیست؟

۱-۴-۱. فرضیه‌های تحقیق

۱-۴-۱-۱. فرضیه اصلی

- در نظام حقوقی ایران آنچه حاکم بر مقررات مربوط به زوجین و زن و مرد است برگرفته از اصل عدالت بوده در آن مبانی حقوقی براساس برابری لحاظ شده تا تساوی و تشابه در حقوق.

۱-۴-۱-۲. فرضیه‌های فرعی

۱. به نظر می‌رسد که شناخت جامع و کامل عدالت جنسیتی فرع بر تصور دقیق و عمیق و تلقی صائب و صادق از عدالت و جنسیت دارد.

۲. حقوق خانواده رعایت حق همه افراد ذی نفع در خانواده است.

۱-۱-۵. پیشینه تحقیق

با نگاهی به فهرست تحقیقات و پایان‌نامه‌های مربوطه در دانشگاه‌های برتر کشور و بررسی سایت‌های معتبر موضوع اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده با پیشینه‌ای اندک ما را بر آن داشت تا در خصوص موضوع فوق‌الذکر تحقیقاتی را در خور موضوع به انجام برسانیم؛ لذا در بررسی اولیه مشخص گردید آنچه که بیشترین حجم مطلب را در میان پایان‌نامه‌ها و مقالات به خود اختصاص داده است موضوع عدالت و تساوی در حقوق زن و مرد و همچنین عدالت جنسیتی در حقوق خانواده است و هیچ‌گونه عنوان مرتبطی در قالب پایان‌نامه، کتاب یا مقاله بیشتر از این دو مورد در بررسی دسترسی نداشتیم و امیدواریم این عنوان موضوع به عنوان پایان‌نامه بتواند کمک اندکی به حوزه تحقیقات اصل مساوات در حقوق خانواده انجام دهد.

۱. کتاب نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۹. نوشته مرتضی مطهری: در این اثر نویسنده سعی می‌کند روابط مالی و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر را طبق منابع فقهی و قانون مدنی بررسی کند و در کنار آن موضوع را با توجه به تأکیدات قرآن کریم عمیق‌تر بررسی نماید.
۲. کتاب حقوق خانواده، ۱۳۹۸. نوشته ناصر کاتوزیان: در این کتاب به مقررات حاکم بر حقوق خانواده با استدلال‌ات و استنتاجات فقهی و مبانی عقلی پرداخته و ماهیت حقوق ایران را در بازخورد با اصل تساوی و عدالت در حقوق زوجین به خوبی تحلیل و تشریح نموده است.
۳. کتاب اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، ۱۳۸۸. نوشته حسین بستان: نویسنده در این کتاب می‌کوشد از یک‌سو مواردی را شناسایی کند که اسلام در آن‌ها برای زن و مرد حقوق، وظایف و نقش‌های اجتماعی متفاوتی تعیین کرده است و از سوی دیگر این تفاوت‌ها را با تکیه بر تحلیل‌های علمی به ویژه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ارزیابی و توجیه کند. «تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای خانواده» عنوان بخش اول این کتاب است که در آن همسرگزینی و ازدواج، کارکردهای حمایتی و مراقبتی و مدیریت خانواده مورد بررسی قرار

می‌گیرد. در فصل پایانی این کتاب نیز مباحث فقهی در زمینه تفاوت‌های جنسیتی به تفصیل ذکر شده است.

۴. مقاله «فلسفه تفاوت‌های زن و مرد در حقوق اسلام»، ۱۳۸۲، فصلنامه رواق‌اندیشه، شماره ۲۲. نوشته محمد فاضل: در پژوهش حاضر به تفاوت‌هایی که در شهادت زنان و مردان وجود دارد در مجموع یا به نفع زنان شاهد است و یا منافع مدعیان در نظر گرفته شده است؛ برای نمونه حق الناس غیرمالی؛ مانند نسب، اسلام، بلوغ و ارتداد که شهادت زنان در این موارد مسموع نیست و شاید برخی از اسرارش چنین باشد که این امور خارج از حیطه اطلاعات زنان است و شهادت آنان کامل و جامع نیست با توجه به اینکه در شهادت شهود، تنها علم و اطلاع داشتن کافی نیست و باید حسی، عینی و مستقیم باشد؛ یعنی باید خود شاهد بلاواسطه دیده و یا شنیده باشد و چنین حالتی (در موارد فوق) بطور معمول برای زنان کم اتفاق می‌افتد و بر فرض دیدن و شنیدن مستقیم، پی بردن به علل و عوامل، کم‌وکیف کارهای اتفاق افتاده برای زنان تا اندازه‌ای دشوار و سنگین است. اشکال به این صورت مطرح می‌شود که سهم مرد دو برابر سهم زن است با اینکه هر دو در انسانیت مساوی و برابرند.

۱-۱-۶. ضرورت، کاربرد و اهداف تحقیق

۱-۱-۶-۱. ضرورت انجام تحقیق

پژوهش حاضر درصدد است که اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده را با توجه به مقررات و قوانین حقوقی حاکم بر این موضوع مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

۱-۱-۶-۲. اهداف تحقیق

۱. بررسی و بازنسازایی حقوق زوجین در نسبت آن با اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده که ازجمله موضوعات بحث برانگیز است، می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا در راستای احیای این هدف بررسی این موضوع در قوانین موضوعه و مطالعه مبانی آن؛ ازجمله ضروریاتی است که این تحقیق در پی بررسی آن است و ۲. از طرفی بررسی اصل برابری و عدالت در بازخورد با حقوق زوجین و زن و مرد؛ ازجمله جنبه‌های جدید و نوآوری‌هایی است که این تحقیق به بررسی آن‌ها می‌پردازد.

۱-۱-۲. کاربردهای مورد انتظار از تحقیق

۱. بررسی اصل مساوات و کارکرد آن در حقوق خانواده؛

۲. تحلیل عدالت جنسیتی در حقوق خانواده؛

۳. شناخت ارزش‌های برابری و عدالت؛

۴. بررسی اصل مساوات و چارچوب آن در خانواده.

۱-۱-۸. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام خواهد پذیرفت و از منابع موجود در این زمینه و نیز از تحقیقات جدید و پژوهش‌های به عمل آمده بهره خواهیم گرفت، پژوهش با روش‌های توصیفی - تحلیلی به نتیجه مورد نظر خواهد رسید.

۱-۲-۲. مفاهیم تحقیق

۱-۲-۱. مفهوم مساوات

مساوات در لغت به معنای (م) [ع. مساواه] (مص ل.) برابری، با هم برابر بودن. اصل مساوات از اصولی است که مباحث فراوانی در مورد آن از سوی موافقان و مخالفین آن مطرح شده است. این اصل در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی بسیاری از کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده اعلامیه جهانی تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. ماده ۷ آن نیز می‌گویند: «همه برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسیویه از حمایت قانون برخوردار شوند همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به مواد مادی از حمایت قانون بهره‌مند شوند. می‌توان ادعا کرد در مورد مساوات اجماع جهانی وجود دارد اما در مفهوم آن به ویژه در مورد استثناهای آن، تفاوت‌های زیادی در نظام‌ها حقوقی مشاهده می‌شود».

تساوی در قانون تلقی دیگر از مساوات و برابری این است که در مرحله وضع قانون برای شرایط مساوی قانون یکسان وضع شود و در مقام اجرا نیز در شرایط برابر فرقی گذاشته نشود به عبارت دیگر قانونی که بر هر موضوع و هر عنوانی وضع شود. در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش فرقی گذاشته نشود در این معنا در مساوات ممکن است در مرحله وضع قانون بعضی

تفاوت‌ها لحاظ شود مثل از حیث جنسیت و مذهب تفاوت در نظر گرفته شود لکن در مرحله اجرای قانون هیچ چیز نمی‌تواند موجب تبعیض شود در این معنا مساوات نابرابری حقوقی بین کافر، مسلمان یا بین زن و مرد موجب اصل نقض برابری نیست آنچه موجب نقض اصل برابری می‌شود فرق گذاشتن بین افراد مسلمان یا بین صنف زنان است.

اسلام همه افراد بشر را فرزندان یک پدر و مادر و به منزله یک خانواده می‌داند و همه را مخلوق خداوند یگانه و بندگان او می‌شمرد؛ براین اساس همه انسان‌ها یکسان خلق شده‌اند و از این نظر با هم مساوی‌اند و تنها کسانی که تقوای بیشتری داشته باشند نزد خداوند گرامی‌ترند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» ای مردم! ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست (حجرات: ۱۳).

در تعالیم اسلامی آمده است که هر انسانی (زن یا مرد) می‌تواند با توجه به استعدادهایی که دارد برای نیل به سعادت خویش قدم بردارد و در این راه هیچ مانعی وجود ندارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ؛ انسان‌ها در مقابل عملی که انجام می‌دهند مساوی‌اند و در شرایط مساوی از نظر پاداش‌های الهی نیز یکسانند (نجم: ۳۹). قرآن می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ؛ هر کس در گرو اعمال خویش است (مدثر: ۳۸).

می‌توان به این نتیجه رسید که میان مسلمان و غیرمسلمان از نظر حقوقی، تفاوت‌های فراوانی وجود دارند. مسلمان و غیرمسلمان از نظر قانون اجتماعی و برخورداری از حقوق شهروندی در برابر قانون مساوی‌اند؛ ولی از لحاظ شرعی تفاوت‌هایی دارند که به برخی از آن‌ها اشاره شد؛ بنابراین اگر منظور از مساوات، برابری عامه مردم در بهره‌مندی از حقوق مشترک‌شان باشد هرگز مخالفتی با موازین شرع نخواهد داشت و اگر مقصود از «مساوات» برابری حقوق کافر و مسلمان در نکاح، حدود، قصاص دیه و ارث باشد این برخلاف موازین دینی است؛ زیرا براساس آموزه‌های مسلم اسلام، کافر و مسلمان حقوق برابری در این امور ندارند؛ برای مثال ازدواج مرد اهل کتاب با زن مسلمان حرام است؛ اما ازدواج مرد مسلمان با

زن اهل کتاب آن هم به شکل موقت جایز است. کافر نمی‌تواند از مسلمان ارث ببرد؛ اما مسلمان از کافر ارث می‌برد. دیه قتل یک مرد مسلمان هزار دینار است و دیه قتل کافر ذمی هشتصد درهم است. قتل کافر غیراصلی (مرتد) واجب است، جنازه او احترام ندارد و اموالش به مسلمانان منتقل می‌شود و دهها تفاوت دیگر که با مراجعه به کتب فقهی می‌توان به آنان دست یافت (حشمتی، ۱۳۸۹، ۸۹).

۱-۲-۲. مفهوم عدالت

عدالت واژه است عربی که در فارسی به «دادگری» در فرانسه و انگلیسی به «Justice» و در لاتین به معنای «Justitia» ترجمه می‌شود واژه‌های چون قسط، وسط، میزان و انصاف در معنای آن بکار می‌روند و مترادف آن محسوب می‌شود و در مقابل «ظلم» ضد عدل به شمار می‌آید. از جمله مفاهیم بنیادی در شریعت اسلام مفهوم عدالت است که زیربنا و مایه دوام آفرینش هستی تلقی می‌شود؛ تاجایی که مبتنی بر روایت نبوی، خداوند متعال استواری آسمان‌ها و زمین را بر پایه عدل بنیان نهاده است^۱ (محمد بن علی، ۱۴۰۵ق، ۱۰۳/۴)؛ پس از آفرینش بر محور عدل، کلام الهی در طریق هدایت و در مقام عمل، مؤمنین را به برپایی قسط امر نموده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵)؛ چراکه در پرتو اقامه عدل است که مقام تقوی و قرب الهی تحصیل می‌شود «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده: ۸).

عدالت به معنای دادگری در نقطه مقابل ظلم قرار گرفته و در مفاهیم متعددی استعمال می‌شود؛ از جمله عدالت را به اعطای حق هر ذی‌حق و رسیدن وی به بهره‌ای که شایسته آن است به دور از هر گونه ظلم و تعدی تعبیر نموده‌اند^۲ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳۷۱/۱)؛ دریانی دیگر عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود است^۳ (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۹۵) که در این صورت هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد و تعدی به حقوق دیگران برخلاف عدالت

۱. «وَقَالَ النَّبِيُّ بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ».

۲. «هی اعطا کل ذی حق حقه و بلوغه حظه الذی یلیق به دون الظلم و الانظام».

۳. «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد».